

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹

صص ۱۴۸-۱۱۲

خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکتهای قوم‌گرایانه پیرامونی

دکتر حمیدرضا محمدی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

حسین خالدی - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

ندیمه سلیم‌نژاد - مدرس مراکز تربیت معلم

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۶

چکیده

با ایجاد منطقه‌ی امن در آوریل ۱۹۹۱، حاکمیت رژیم بعث در شمال مدار ۳۶ درجه از بین رفت و در منطقه‌ی مذکور یک دولت خودمختار ایجاد شد. شکل‌گیری این حکومت خودمختار که ظاهراً با حمایت گفتمان غالب نظام بین‌الملل بوده است و در ادامه تثبیت موقعیت آن در قانون اساسی عراق، کسب امتیازات برجسته از جمله به رسمیت شناخته شدن حکومت منطقه‌ای آنها و اصل فدرالیسم، قانونی اعلام شدن نیروی نظامی کردها و رسمی شدن زبان کردی در کنار مشارکت گسترده‌ی کردها در هرم قدرت حکومت مرکزی عراق جدید؛ باعث شده است که دولت منطقه‌ای کردستان تبدیل به مرکز سیستم کردستان و همچنین به کانون تحول و تأثیرگذاری بر دیگر عناصر این سیستم تبدیل گردد.

واژه‌های کلیدی: خودگردانی، قومیت، کردستان، دولت منطقه‌ای کردستان، ژئوپلیتیک.

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات

۱- مقدمه

جهان در قرن بیستم شاهد سه رویداد بزرگ در ساختار ژئوپلیتیک خود بوده است، منازعه جنگ جهانی اول، منازعه جنگ جهانی دوم و پایان دوره جنگ سرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۵) در پایان این سه رویداد بزرگ در ساختار ژئوپلیتیک جهان، سه واقعه مهم در تاریخ سیاسی کردها رخ داده است؛ در پایان منازعه جنگ جهانی اول، عهدنامه «سور» به کردهای عثمانی وعده رفراندوم برای استقلال پس از یک سال خود مختاری در ترکیه نوین داده بود، در پایان منازعه جنگ جهانی دوم، جمهوری مهاباد با حمایت اتحاد جماهیر شوروی در بخشی از مناطق کردنشین ایران تأسیس شد. تحول ژئوپلیتیکی دهه پایانی قرن بیستم به بعد، زمینه را برای ایجاد خودگردانی کردها و تأسیس و تثبیت دولت منطقه‌ای کردستان^۱ در شمال عراق فراهم کرد. با شکل‌گیری دولت منطقه‌ای کردستان مدار تهدید- فرصت نوینی در محیط امنیتی ایران، ترکیه و سوریه شکل گرفته است که شامل مناطق کردنشین منطقه می‌باشد. این مدار حاوی ترکیب پیچیده‌ای از مسائل امنیتی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی است که در قرن آینده همچون کانون بحران، منشأ بسیاری از رخدادهای امنیتی، سیاسی و نظامی خواهد بود. برای آشنایی با پیشینه‌ی این موضوع، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: حافظ‌نیا (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه» به سیر تحول خودگردانی کردها از دو قرن اخیر تاکنون پرداخته و در ادامه زمینه‌های تأثیرگذاری خودگردانی شمال عراق را بر پیرامون در سه محور تأثیر گذاری ذهنی-روانی، سیاسی و منطقه‌ای تشریح کرده است. قدیر نصیری مشکینی (۱۳۷۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «جمعیت و امنیت، امکانات و موانع پیدایش دولت کردی در منطقه خاورمیانه» معتقد است که سیر تحول نقش‌آفرینی کردهای ایران تابعی از وضعیت کردهای ساکن کشورهای همسایه یعنی ترکیه و عراق می‌باشد. جعفر حق‌پناه (زمستان ۱۳۷۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «پیامدهای امنیتی بازداشت رهبر کردهای ترکیه در مناطق کردنشین ایران» اعتقاد دارد که دولت محلی شمال عراق در بعد فرهنگی و از لحاظ ترویج و انتشار گرایش‌های قوم‌گرایانه، از قبیل انتشار کتاب به زبان کردی، فعال کردن

شبکه‌های رادیویی- تلویزیونی کردی با برنامه‌های جهت دار و افزایش ارتباطات سیاسی - فرهنگی کردهای دو سوی مرز تأثیرات خود را بر جا نهاده است. همچنین می‌افزاید که پیدایش دولت کردی و ضعف حاکمیت عراق در این منطقه باعث سهولت و آزادی عمل همه گروههای کردی مخالف دیگر کشورهای دارای اقلیت کرد شده است. همچنین او در سال ۱۳۸۶ در گزارشی پژوهشی برای موسسه مطالعات راهبردی، تحت عنوان «بومی‌گرایی در مدیریتهای استانی و الزامات آن» می‌گوید: در شرایطی که کردهای عراق نه تنها در استان‌های شمالی از حق نظام فدرالی برخوردار گردیده‌اند، بلکه در دولت مرکزی نیز سهمی فراوان دارند، پرسش از جایگاه هموطنان کرد در نظام مدیریتی استانی و ملی، پرسش طبیعی و قابل انتظاری است که نمی‌توان و نمی‌بایست به‌جای پاسخ‌گویی، به پاک کردن صورت مسأله پرداخت.

مایکل گونتر^۱ در مقاله «دولت دو فاکتوری در شمال عراق»^۲ علت مخالفت ترکیه با انتخابات می ۱۹۹۲ کردستان عراق را ترس از ایجاد یک دولت کردی مستقل در شمال عراق می‌داند که به گفته‌ی سلیمان دمیرل چنین حکومتی تأثیرات ناخواسته‌ای بر کردهای ترکیه خواهد گذاشت، گونتر همچنین به نگرانی مقامات ترک نسبت به ادعاهای ارضی دولت مستقل احتمالی کردهای شمال عراق نسبت به ترکیه اشاره کرده است. در واقع گونتر وضعیت کردهای عراق را از نظر مقامات ترک تهدیدی برای تمامیت ارضی ترکیه عنوان کرده است.

۲- روش تحقیق

این تحقیق به دنبال ارزیابی این فرضیه است که: «خودگردانی کردستان عراق از نظر فرهنگی - سیاسی باعث تقویت هویت و فرهنگ کردها و افزایش مطالبات سیاسی - فرهنگی از دولت مرکزی می‌شود و وضعیت کردها به لحاظ فرهنگی- سیاسی در کشورهای منطقه در مقایسه با دولت منطقه‌ای کردستان با میزان این تأثیرات رابطه‌ی مستقیم دارد» به منظور ارزیابی و آزمون فرضیه‌ی مذکور و تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده

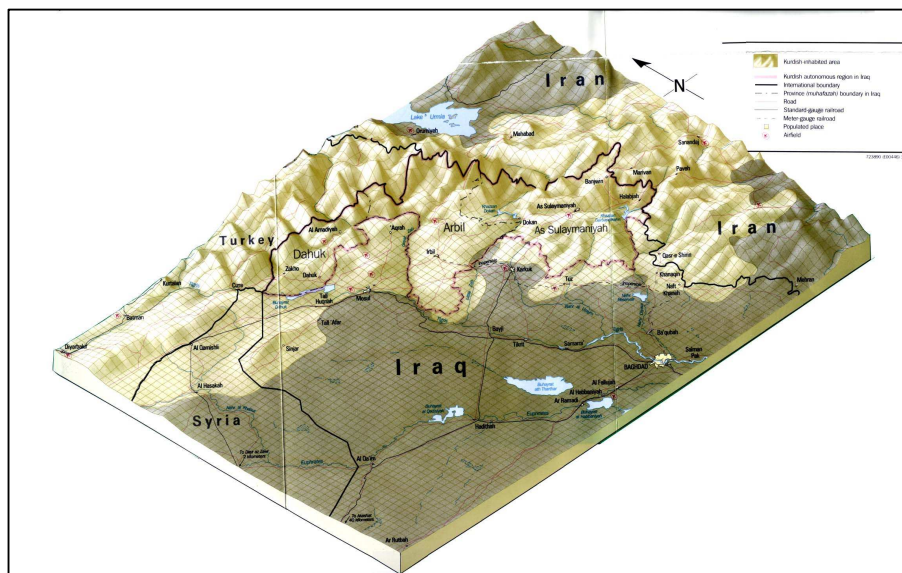
^۱ - MICHAEL M.GUNTER

2- A.de facto Kurdish state in northern Iraq

است. تحقیق از نوع کتابخانه ای است و ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش؛ کتب، مقالات، اسناد، گزارشها و اینترنت می باشد.

۳- محیط شناسی موضوع

کردستان فضای جغرافیایی مرتفعی در خاورمیانه است که از نظر اکولوژیکی زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می دهد، این منطقه مرتفع بخش هایی از غرب و شمال غرب ایران، مشرق و جنوب شرقی ترکیه، شمال و شمال شرقی عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را در بر می گیرد که بر فلاتها و سرزمین های کم ارتفاع اطراف خود مشرف می باشد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۹-۱۰). دستیابی به آمارهای مستدل در مورد وسعت و جمعیت کردستان بسیار مشکل به نظر می رسد. در حالی که رندل، مساحت کردستان را بالغ بر دویست هزار مایل مربع یعنی تقریباً برابر با وسعت کشور فرانسه بیان کرده است (رندل، ۱۳۷۹: ۲۰). لازریف این رقم را ۵۰۵ هزار کیلومتر مربع ذکر کرده است که از این مقدار ۲۵۵،۷۵، ۱۶۰،۷۵ و ۱۵ هزار کیلومتر مربع به ترتیب در ترکیه، عراق، ایران و سوریه واقع شده است (لازریف، ۱۳۸۱: ۶). در مقابل قاسملو (مهری پور، ۱۳۷۹: ۶۵). رمزی قزاز (قزاز، ۱۳۸۱: ۱۵) و حافظنیا (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۱) مساحت کردستان را حدود ۴۰۹۶۵۰ کیلومتر مربع بیان کرده اند. محققانی چون لیزر، گراهام، رندل، مک داوول تعداد کردهای خاورمیانه را بین ۲۷-۳۰ میلیون نفر ذکر کرده اند، در مقابل مرکز مطالعات کرد در بن جمعیت کردها را ۴۰ میلیون نفر بیان کرده است. حافظنیا با بررسی سی مورد جدول و ادعاهای جمعیتی درباره ی کردهای خاورمیانه که در طیفی بین ۱۶/۵ تا ۴۰ میلیون نفر متغیر می باشد، اقدام به میانگین گرفتن از هشت منبع معتبرتر نموده است که بر اساس آن جمعیت کردها را در حدود ۲۶/۵ میلیون نفر تخمین زده است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۱). چون جدیدترین این ارقام مربوط به سال ۱۹۹۰ می باشد هرگاه رشد جمعیت کردها را ۱ درصد در نظر بگیریم، در سال ۲۰۱۰؛ جمعیت کردها ۳۲/۵ میلیون نفر خواهد بود.



نقشه شماره ۱: توپوگرافی کردستان (منبع: www.institutkurde.org)

ادیان مختلف و متنوعی از قبیل: اسلام، اهل حق، علوی، ایزدی، آشوری و یهودی و مسیحیت در بین مردم کرد رایج است با این حال به «تقریب ۷۵ درصد از کردها سنی مذهب» (رندل، ۱۳۷۹: ۳۵) و حدود ۱۵ درصد از کردها نیز شیعه مذهب هستند (مک داو، ۱۳۸۰: ۵۳) کردستان به لحاظ ویژگیها و برجستگیهای زیر از وزن ژئوپلیتیکی قابل ملاحظه‌ای در فضای خاورمیانه برخوردار است.

۱- در فضای جغرافیایی خاورمیانه، کردستان محل تلاقی چند سازه سیاسی دولت ایران، دولت عراق، دولت ترکیه، دولت سوریه و دولت ارمنستان است؛

۲- کردستان بین چند تمدن کهن از جمله تمدن ایرانی؛ تمدن تورانی (ترک) و تمدن عربی (سامی) واقع شده است؛

۳- کردستان به لحاظ ساختار طبیعی، محل تلاقی سه حوزه طبیعی یعنی فلات قفقاز، فلات ایران و فلات شبه جزیره عربستان می‌باشد؛

۴- به لحاظ هیدروپلیتیک کردستان هارتلند خاورمیانه است (محمدی، ۱۳۸۶: ۵)؛

۵- منابع نفت عمده‌ای در کردستان وجود دارد بنابراین از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی نیز کردستان اهمیت فوق العاده‌ای دارد؛

۶- مسیر ارتباط ایران به ترکیه و اروپا و بالعکس و خطوط انتقال نفت و انرژی از خزر و یا بین‌النهرین به مدیترانه از کردستان عبور می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲ و ۱۶)؛

۷- کردها بزرگترین اقلیت بی‌دولت در جهان می‌باشند.

بحران کردستان که از پایان جنگ جهانی اول تا به امروز به صورت پیوسته برای سه کشور بسیار مهم خاورمیانه یعنی ترکیه، عراق و ایران و به میزان کمتری برای سوریه نقطه‌ی آسیب‌پذیری و پاشنه آشیل محسوب شده است (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۱۱) اکنون به صورت یک پدیده ژئوپلیتیکی فعال در منطقه و جهان ظاهر گردیده است به گونه‌ای که غول کردی در صحنه‌ی سیاست خارجی منطقه آزاد شده است (گانتر، ۱۳۷۶: ۲). تقسیم کردستان بین کشورهای خاورمیانه سبب شده که مناطق کردنشین این کشورها از لحاظ جغرافیایی از موقعیت حاشیه‌ای برخوردار شوند، موقعیت حاشیه‌ای همراه با توپوگرافی و فضای جغرافیایی پیچیده و نیز نگرش دولت‌ها و گروه اکثریت ملی، آنها را به عنوان شهروندان درجه ۲ به حساب آورده و عموماً توسعه نیافته محسوب می‌شوند و از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و عمرانی عقب مانده‌تر از سایر نقاط کشورهای مذکور بوده‌اند و این خود باور تبعیض و بی‌عدالتی را در بین اقلیت کرد گسترش داده و روابط آنها را با دولت مرکزی دچار چالش کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱).

۴- سیر تکوین ناسیونالیسم کردی تا تأسیس دولت منطقه‌ای کردستان

تاریخ ناسیونالیسم قومی کردها به طور واضح اثبات می‌کند که سیاست‌های قومیتی اساساً پدیده‌هایی جدید می‌باشند. چنانکه جرارد شالیان^۱ اشاره می‌کند، سیاست قومی به دنبال شکل‌گیری مرزهای سیاسی و جغرافیایی سیستم دولت-ملت مدرن در قرن بیستم در بخش بزرگی از خاورمیانه، ایجاد شد و توسعه یافت (Entessar.1989:84). به استثنای نوشته احمدخانی شاعر سده هفدهم، سند و مدرکی در دست نیست تا نشان دهد که کردها تا سال‌های آخر سده نوزدهم به عنوان مردم گرد به خود اندیشیده باشند. در این شکی نیست که به مدت شاید بیش

1 -Gerard chaliand

از دو هزار سال مردم کُرد در مقام گروهی قابل ملاحظه وجود داشته، اما تنها در سال‌های آغاز سده بیستم است که به دریافت ادراکی از خود در مقام جامعه‌ای به نام کُرد دست یافته‌اند (مک داول، ۱۳۸۰: ۳۰). نخستین بیانیه نوشته‌ای که از ناسیونالیسم کُرد به دست آمده است؛ نامه‌ای است که شیخ عبیدالله به یکی از نمایندگان قدرتهای غربی فرستاده است (کوچرا، ۱۳۷۷: ۲۷). بر این اساس بسیاری از محققان کُردشناس، شیخ عبیدالله را نخستین ملی‌گرای کُرد می‌دانند (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۷۵). ناسیونالیسم کُرد و بیعت‌های مذهبی و قبیله‌ای رابطه‌ای دوپهلوی با هم دارند. از سویی نخستین ملی‌گرایان کُرد از همین مراتب سنتی جامعه یعنی آغاها و شیوخ بودند، از سوی دیگر کشمکش‌ها و رقابت‌های مداوم بین این رهبران سنتی مانع از وحدت حقیقی مردم کُرد بود (وان برویین سن، ۱۳۷۹: ۱۷). رمزی قزاز، جنبش‌های کُرد را در سه مرحله زمانی: ۱- از قرن نوزدهم تا جنگ جهانی اول؛ ۲- از جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم و ۳- از جنگ جهانی دوم تا شورش ملا مصطفی بارزانی در اوایل دهه ۱۹۷۰ تقسیم‌بندی کرده است (قزاز، ۱۳۸۱: ۳۰). اگر طول زمانی مرحله سوم را تا اشغال کویت توسط عراق و فروپاشی شوروی گسترش داده و مرحله چهارم را از ۱۹۹۰ تاکنون تعریف کنیم جنبش‌های کُردی در چهار دوره تقسیم‌بندی خواهد شد:

-از قرن نوزدهم تا آخر جنگ جهانی اول؛

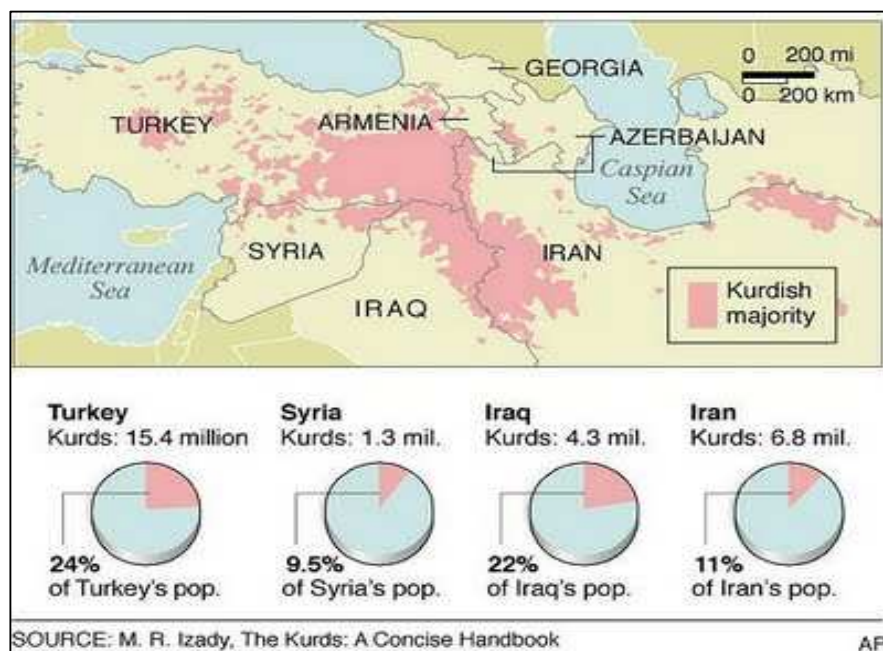
-بین دو جنگ جهانی اول و دوم؛

-دوران جنگ سرد؛

-دوران صلح سرد (دهه ۱۹۹۰ به بعد).

مبدأ این تقسیم‌بندی‌ها وقایع مهم جهانی - منطقه‌ای و تأثیر آن بر آگاهی عمومی کردها به‌عنوان یک ملت مجزا می‌باشد. دوره اول از شورش عبدالرحمان پاشای بابان در سال ۱۸۰۶ در سلیمانیه شروع می‌شود و به شورش شیخ عبیدالله شمدینان (۱۸۱۰-۱۸۸۰) و شورش کردهای موصل و شورش ۱۹۱۳ بتلیس ختم می‌گردد. در این دوره کُردها به تدریج وفاداری‌های قبیله‌ای را به نفع وفاداری ملی ترک می‌کنند و این مسأله به‌طور مستقیم تحت تأثیر مفهوم دولت - ملت در اروپا و آشنایی کُردها با این مسأله می‌باشد. مبدأ دوره دوم پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸) می‌باشد که براساس پیمان سور به کُردهای عثمانی امکان برخورداری از یک دولت - ملت

گردی را هر چند در بخش محدودی از کردستان می‌داد. (۱۹۲۰) معاهده سور که سرابی از خودمختاری و استقلال را بر کردان [عثمانی] می‌نمود در حقیقت به منزله اعلام تجدید حیات ترکیه به رهبری مصطفی کمال و تولد عراق تحت حکومت ملک فیصل بود (کوچرا، ۱۳۷۷: ۵۱). پیمان لوزان (۱۹۲۳) پیمان سور را نافرجام گذاشت. اولین شورش بزرگ کردها در دوره دوم، شورش کردستان عراق به رهبری شیخ محمود (۱۹۳۲-۱۹۱۹) بود و آخرین شورش بزرگ این دوره، شورش کردهای درسیم در ترکیه (۱۹۳۷) می‌باشد. در دوره سوم، اولین شورش کردها؛ ادامه شورش بارزانی‌ها در کردستان عراق به رهبری ملا مصطفی بارزانی بود که از سال ۱۹۳۴ شروع شد و تا ۱۹۴۵ ادامه یافته بود. ولی بزرگترین شورش‌های گردی در دوران جنگ سرد، تأسیس جمهوری مهاباد (۱۹۴۶) با حمایت شوروی و قیام بارزانی‌ها در اوایل دهه ۱۹۷۰م می‌باشد. از دیگر وقایع مهم این دوره می‌توان به شروع عملیات مسلحانه پ.ک.ک در سال ۱۹۸۴ در ترکیه اشاره کرد. دوره چهارم؛ از قیام کردهای عراق پس از شکست عراق در کویت شروع می‌شود. از ویژگی‌های این دوره علاوه بر شکل‌گیری دولت منطقه‌ای کردستان عراق، شدت عملیات نظامی و سیاسی پ.ک.ک و تأسیس شاخه ایرانی آن و فعال شدن کردهای سوریه برای اولین بار پس از تجزیه عثمانی می‌باشد. منازعات خشونت‌آمیز بین کردها و اعراب یکی از ویژگی‌های نظام سیاسی عراق از ابتدای استقلال آن کشور به‌شمار رفته، به نحوی که طی هشت دهه گذشته یا پیوسته در حال جنگ و یا مشغول مذاکره برای خودمختاری با دولت مرکزی بوده‌اند (احمدی، ۱۳۸۴: ۶۸). به‌طور کلی کردستان عراق به‌واسطه ناهمگونی‌های زبانی، مذهبی (سنی شافعی)، تاریخی و فرهنگی با اکثریت عرب کشور همواره یکی از نواحی دچار واگرایی بوده است. دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور کردستان و نوع رویکرد حکومت‌های بغداد به این ناحیه که بیشتر با محرومیت و سرکوب همراه بود در فزاینده‌گی دامنه‌ی نیروهای واگرا، پیامدهای جغرافیای سیاسی عمیقی به‌دنبال داشته است. برآمدن کردستان کنونی نتیجه وجود جنبش‌های دیرپا و نیرومند ناحیه‌گرای گردی و راهبرد ژئوپلیتیک آمریکا در منطقه است (کاویانی، ۱۳۸۷: ۹۱). در مارس ۱۹۹۱ پس از شکست عراق از نیروهای ائتلاف، کردها اقدام به بزرگترین خیزش توده‌ای کردند، و در مدت دو هفته سرتاسر کردستان عراق را به کنترل درآوردند (۱۸-۴ مارس). با سرکوب این قیام میلیون‌ها کرد آواره شدند.



نقشه شماره ۲: مناطق دارای اکثریت جمعیت کرد (منبع: www.institutkurde.org)

در ۵ آوریل ۱۹۹۱ شورای امنیت ملل متحد قطعنامه ۶۸۸ را تصویب کرد. این قطعنامه از دو جهت برای گردها واقعه‌ای تاریخی بود. اول اینکه از کمیسیون داوری جامعه ملل در ۱۹۲۶-۱۹۲۵ به این سو، این نخستین بار بود که از گردها به نام یاد می‌شد. از سوی دیگر برای بار اول بود که سازمان ملل متحد بر حق مداخله در امور داخلی کشوری عضو اصرار می‌ورزید. این دو مورد حاکی از این بود که سازمان ملل متحد به مرور در حال تجدید نظر در قاعده و اصل کلی عدم مداخله بود. و این چیزی بود که برای آینده گردها و سایر اقلیت‌های در معرض خطر امیدبخش بود. قطعنامه ۶۸۸ سرکوب مردم غیر نظامی را در عراق از جمله مراکز جمعیتی کردستان محکوم کرد و از عراق خواست؛ برای کمک به رفع تهدید صلح و امنیت جهانی در منطقه، فوراً به این سرکوب پایان دهد و به سازمانهای حقوق بشر جهانی امکان دستیابی به تمام کسانی را که در عراق نیاز به کمک دارند بدهد (Mc Dowall:2000: 374-375). به دنبال این

قطعنامه در اواسط آوریل ۱۹۹۱، نیروهای ائتلاف ایجاد منطقه امن را در درون عراق اعلام و هواپیماهای عراق را از پرواز بر فراز شمال مدار ۳۶ درجه منع کردند. در نتیجه استان‌های گردنشین سلیمانیه، اربیل و دهوک تحت کنترل احزاب کُردی قرار گرفتند. پس از آنکه بیشتر آوارگان به منطقه بازگشتند، آشکار گردید که در فقدان یک اقتدار دولتی زندگی برای مردم مشکل است. همچنین با توجه به باز بودن مرزها و ورود و خروج غیر قانونی و سلیقه‌ای عمل کردن احزاب کُردی در روابط خارجی با سایر دول، مشکلات عمده‌ای در مسائل داخلی و خارجی پدید آمد (کرمی، ۱۳۷۶: ۲۰۳-۲۰۴). برای رهایی از این بحران انتخابات در ۱۹ مه ۱۹۹۲ برگزار شد. آستانه ورود به مجلس برای احزاب کسب حداقل ۷ درصد از مجموع آراء تعیین شد (Mc Dowall:2000-381). تعداد اعضای پارلمان ۱۰۵ نفر در نظر گرفته شده بود. برای پیروزی در انتخابات رهبری کسب حداقل ۵۱ درصد کل آراء اخذ شده لازم بود، در کل ۱/۱ میلیون نفر بالای ۱۸ سال واجد شرایط رأی دادن بودند (Gunter : 1993:293). میزان مشارکت در انتخابات فوق حدود ۸۸ درصد و مجموع آراء اخذ شده ۹۶۷۲۲۹ رأی بود. برندگان اصلی این انتخابات دو حزب دمکرات کردستان عراق با کسب ۴۳۷۸۷۹ رأی (۴۵/۳ درصد) و اتحادیه میهنی کردستان با کسب ۴۲۳۸۳۳ رأی (۴۳/۸ درصد) از کل آراء اخذ شده بودند. دیگر احزاب حداقل ورود به پارلمان را به دست نیاوردند (Dahlman,2002: 291). در انتخابات رهبری هرچند مسعود بارزانی و جلال طالبانی به ترتیب با کسب ۴۴۱۰۵۷، ۴۴۶۸۱۹ رأی، رقابتی نزدیک داشتند اما هیچ کدام از کاندیدها اکثریت ۵۱ درصد از کل آراء را به دست نیاوردند دور دوم انتخابات تعیین رهبری با آگاهی بر مشکلات مالی و امنیتی برگزاری انتخابات مجدد، برگزار نشد و بارزانی و طالبانی مشترکاً رهبری جنبش را در قالب شورای ریاست جمهوری به دست گرفتند (کوچرا، ۱۳۷۹: ۱۴۶). دولت خودگردان کُرد تا سال ۱۹۹۴ به کار خود ادامه داد در سال ۱۹۹۴ با آغاز درگیری‌های داخلی بین دو حزب عمده‌ی کُرد، کُردستان عراق به دو منطقه تجزیه شد و تمام نهادهای حکومتی کردستان نیز تجزیه گردیدند. در منطقه تحت نفوذ بارزانی (استان‌های اربیل و دهوک) دولت و پارلمان دولت محلی کُرد طرفدار بارزانی به وجود آمد. طالبانی نیز در منطقه نفوذ خود (استان سلیمانیه) دولت خود را تشکیل داد. این وضعیت حدود ۵ سال در کردستان عراق حاکم بود (حق‌پناه،

۱۳۸۱: ۷-۶). در سال ۱۹۹۸ با وساطت وزیر امور خارجه آمریکا موافقتنامه صلحی بین دو حزب کُرد منعقد شد و به دنبال آن همکاری میان آنها به تدریج افزایش پیدا کرد. در ۱۲ مهر ۱۳۸۱ دو حزب توانستند مجلس منطقه‌ای کُردستان را مجدداً تشکیل دهند. این مجلس اگرچه در سال ۱۹۹۲ انتخاب شده بود اما از سال ۱۹۹۵ به بعد تشکیل جلسه نداده بود (گالبرایت، ۱۳۸۲: ۳۳۱). نقطه عطف تحولات شمال عراق، بروز حوادث ۱۱ سپتامبر و متعاقباً سقوط رژیم صدام در راستای استراتژی ایالات متحده آمریکا در قرن ۲۱ بود که بی‌تردید به اقلیم کُردستان عراق موقعیتی ژئواستراتژیکی اعطا نمود (آیتی، ۱۳۸۵: ۲۴). احزاب کردی بخصوص اتحادیه میهنی و حزب دموکرات کُردستان عراق در سال ۲۰۰۳ با کنارگذاشتن اختلافات داخلی از همان روزهای نخست با تمام توان همراه و در کنار نیروهای ائتلاف با نیروهای بعثی جنگیدند، پس از جنگ، دو حزب اصلی کُرد در راستای افزایش توان چانه‌زنی در برابر قدرت و حکومت مرکزی، هم‌پیمان شده و در انتخابات مجمع ملی با فهرست مشترکی شرکت کردند. آنان همچنین با برگزاری دومین انتخابات پارلمان کُردستان عراق همزمان با انتخابات عمومی و سراسری با فهرستی مشترک با برخی احزاب کوچکتر توانستند کابینه جدید دولت منطقه‌ای کُردستان را تشکیل دهند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۷: ۹۲). دومین دوره انتخابات پارلمانی کُردستان عراق در سال ۲۰۰۵ انجام گرفت. ویژگی بارز انتخابات این دوره نسبت به انتخابات ۱۹۹۲ عبارت بود از افزایش تقریباً دو برابری احزاب شرکت کننده (از ۷ به ۱۳)، افزایش ۶۰ درصدی میزان آراء اخذ شده، افزایش کرسی‌های پارلمان از ۱۰۵ به ۱۱۱ کرسی، و از همه قابل توجه‌تر، ائتلاف «اتحادیه میهنی کُردستان» و «حزب دموکرات کُردستان» بود. ائتلاف این دو حزب با کسب ۱۵۷۰۶۶۳ رأی، اکثریت آرا را به دست آورد. جماعت اسلامی کُردستان عراق نیز با کسب ۸۵۲۳۷ رأی (۴/۸۶٪) از کل آراء به دست آمده در جایگاه دوم قرار گرفت. از دیگر احزاب فقط فهرست زحمتکشان و مستقلان کُردستان با اخذ ۲۰۵۸۵ رأی از کل آراء توانست

1- PUK

2- KDP

کمی بیش از ۱ درصد از کل آراء را به دست آورد (WWW.krg.org ۸۷/۱۲/۲۹). سومین دوره‌ی انتخابات پارلمانی منطقه خودمختار کردستان عراق ۳ مرداد ۱۳۸۸ برگزار شد. بر اساس گزارش کمیسیون عالی مستقل انتخابات در عراق، ۵۰۷ نامزد وابسته به ۲۵ گروه در قالب پنج ائتلاف سیاسی برای کسب کرسی‌های پارلمان محلی کردستان به رقابت پرداختند. تعداد واجدین شرایط رای دادن ۲۵۲۴۸۸۹ نفر بود. علاوه بر سه استان سلیمانیه، اربیل و دهوک که تحت اقتدار حکومت منطقه‌ای کردستان می‌باشند، انتخابات در ۱۳ مرکز رأی‌گیری در خارج از منطقه خودمختار کردستان شامل استان‌های بغداد، الانبار و نینوا برای ساکنان اصلی منطقه خودمختار برگزار شد (www.irna.ir1388/4/28). قبل از انتخابات ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ پارلمان عراق و پارلمان کردستان، مسعود بارزانی و جلال طالبانی، روسای دو حزب حاکم بر کردستان عراق، برای جلوگیری از درگیری و جنگ‌های داخلی توافق کردند که به مدت ۱۰ سال به‌طور مشترک وارد عرصه‌های انتخاباتی شوند. طبق همین توافقنامه، اتحادیه میهنی و حزب دموکرات کردستان، با تشکیل ائتلاف کردستان واحد وارد انتخابات محلی و ملی سال ۲۰۰۵ شدند. همچنین همین توافقنامه باعث شد که این دو حزب در انتخابات اخیر پارلمان کردستان عراق با لیست مشترک شرکت و مسعود بارزانی را نیز به‌عنوان کاندید برگزیده خود برای احراز پست رهبری منطقه کردستان عراق تعیین کنند.

در سال ۱۹۹۲ پارلمان کردستان از ۱۰۵ کرسی تشکیل شده بود که ۵ کرسی پارلمان بدون انتخابات به اقلیت مسیحی کردستان اختصاص داده شده بود. ۱۰۰ کرسی باقیمانده به‌صورت مساوی بین دو حزب اتحادیه میهنی و حزب دموکرات تقسیم شد. به علت اختلافات بین دو حزب و وقوع جنگ داخلی، دور دوم انتخابات پارلمان کردستان عراق تا سال ۲۰۰۵ برگزار نشد. در دوره‌ی دوم شاهد کاهش آرا و کرسی‌های دو حزب حاکم بودیم و حزب اتحاد اسلامی کردستان توانست ۹ کرسی از ۱۱۱ کرسی پارلمان را تصاحب کند. اقتدار این دو حزب در دور سوم انتخابات پارلمان کردستان با ظهور لیست «گوران^۱» که نفوذ زیادی در مناطق تحت نفوذ اتحادیه میهنی کردستان داشت و همچنین شکل‌گیری ائتلاف اصلاح و خدمات به‌شدت تهدید

شد و برای اولین بار امکان تشکیل یک گروه اپوزیسیون قوی و یک پارلمان واقعی در کردستان عراق به وجود آمد. فهرست گوران با توجه به در اختیار داشتن یک شرکت عظیم رسانه‌ای که شامل تلویزیون ماهواره‌ای، رادیو، روزنامه، پایگاه‌های متعدد اینترنتی و همچنین نارضایتی گسترده مردم از فساد مالی احزاب حاکم به‌عنوان رقیب اصلی فهرست کردستانی قد علم کرد. همچنین ائتلاف دو حزب سکولار و غیر دینی با دو حزب دینی تحت عنوان فهرست اصلاح و خدمات، توانست آرا نسبتاً زیادی کسب کند. در این انتخابات لیست کردستانی هرچند توانست ۵۹ کرسی را به دست بیاورد اما به‌طور محسوسی از اقتدارستی آنان بر کردستان کاسته شد. (www.sbeiy.com ۸۸/۵/۲۸) لیست گوران با کسب ۲۵ کرسی، لیست اصلاح و خدمات با کسب ۱۳ کرسی، جنبش اسلامی کردستان با کسب ۲ کرسی و لیست آزادی و مساوات با کسب ۱ کرسی، ۴۱ کرسی باقیمانده را در اختیار گرفتند. همانند دور قبل ۱۱ کرسی نیز به اقلیتهای دینی و نژادی کردستان اختصاص داده شد. از ۱۱ کرسی اقلیتهای ۵ کرسی به کلدانی، سریانی و آشوریها، ۵ کرسی به ترکمن‌ها و ۱ کرسی به ارمنی‌های کردستان اختصاص داشت (www.KRG.com ۸۸/۵/۲۸).

جدول شماره ۱: نتایج انتخابات سومین دوره پارلمان کردستان عراق^۱

حزب یا فهرست ائتلافی	تعداد آرا	درصد از کل	تعداد کرسی
لیست کردستانی	۱۰۷۶۳۷۰	۵۷/۳۴	۵۹
لیست گوران	۴۵۰۲۴	۲۳/۷۵	۲۵
لیست اصلاح و خدمات	۲۴۰۸۴۲	۱۲/۸	۱۳
جنبش اسلامی کردستان	۲۷۱۴۷	۱/۴۵	۲
لیست آزادی و مساوات	۱۵۰۲۸	۰/۸۲	۱
نتایج انتخاباتی مربوط به اقلیتهای دینی و نژادی کردستان			
شورای مردمی کلدانی - سریانی - آشوری	۰/۵۶	۳
حزب دموکرات ترکمنهای کردستان	۱۸۴۶۴	۰/۹۹	۳
فهرست رافدین	۰/۳۰	۲
فهرست اصلاح ترکمنها	۷۰۷۷	۰/۳۸	۱
فهرست اربیل ترکمنها	۰/۲۱	۱
آرام شاهین داود باکوین	۰/۲۲	۱

نتایج این انتخابات باعث نگرانی دو حزب اصلی کردستان گردید. «فرید ته سه سه رد»، عضو شورای رهبری اتحادیه میهنی کردستان در گفتگو با روزنامه «هاولاتی»^۲ می‌گوید که به نظر می‌رسد نتایج انتخابات، باعث تغییر نقشه سیاسی حکومت منطقه‌ای کردستان شود زیرا نتایج برای اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان غیرقابل انتظار بود (روزنامه هاولاتی ۲۹ جولای ۲۰۰۹). در این دوره برخلاف دوره قبل که رهبر اقلیم از طرف پارلمان انتخاب شد؛ اینبار به‌طور مستقیم از طرف مردم انتخاب گردید و از منبع مشروعیت همپایه با

۱- برای ترسیم این جدول از منابع مختلف خبری از جمله سایت اینترنتی www.krg.org استفاده شده است.

۲ - Hawlati

پارلمان برخوردار گردید. در انتخابات رهبری در کنار بارزانی ۴ کاندید دیگر وجود داشتند که از همه شاخصتر، «هه لو ابراهیم احمد»، برادر زن طالبانی و دکتر «کمال میراودلی»، روشنفکر مقیم لندن بودند. هرچند هیچ کدام از رقبای بارزانی قادر به تهدید موقعیت او نشدند اما صرف وجود ۴ کاندید دیگر برای احراز پست رهبری کردستان عراق نشانه‌ی وجود نارضایتی از بارزانی و شکافی در تابوی کاندیداتوری همیشگی خانواده‌ی بارزانی در تفکر کردها می‌باشد (روزنامه هاوالاتی ۲۷ جولای ۲۰۰۹). در این انتخابات بارزانی با کسب حدود ۷۰ درصد از مجموع آرا توانست دوباره به مقام رهبری منطقه‌ی خودمختار کردستان عراق دست یابد. دکتر کمال میراودلی توانست بیش از ۲۵ درصد آرا را به دست آورد.

جدول شماره ۲: نتایج انتخابات رهبری کردستان عراق ۲۰۰۹

کاندید	آرا	درصد
۱ مسعود بارزانی	۱۲۶۶۳۹۷	۶۹/۵۷
۲ کمال میراودلی	۴۶۰۳۳۴	۲۵/۳۲
۳ هه لو ابراهیم احمد	۶۳۳۷۷	۳/۱۲
۴ سه فین شیخ محمد	۱۸۸۹۰	۱/۴
۵ حسین گرمیانی	۱۰۶۶۵	۰/۵۹

نتایج اخیر انتخابات پارلمانی و رهبری کردستان عراق؛ اتحادیه میهنی کردستان، حزب دموکرات کردستان و دوره‌ی جدید رهبری بارزانی را با چالش جدی مواجه خواهد کرد زیرا گروههای رقیب توانسته‌اند درصد قابل قبولی از ۱۱۱ کرسی پارلمان را به دست آورند، امری که گروههای اپوزیسیون را در تصمیم‌گیری‌های منطقه کردستان دخیل خواهد کرد (www.knntv.com ۸۸/۶/۱۶).

۵- ساختار و کارکردهای دولت منطقه‌ای کردستان

کردستان عراق بیش از ۸۳ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد (عبدالوللا: ۲۰۰۵: ۱۰۹). اما اقلیم کردستان عراق به پایتختی شهر هه‌ولیر (اربیل)، ۴۰۶۴۳ کیلومتر مربع وسعت و جمعیتی نزدیک

به ۵ میلیون نفر دارد. بر این اساس حکومت اقلیم کردستان به لحاظ وسعت ۴ برابر لبنان و بزرگتر از هلند می‌باشد. (۲۴ ژانویه ۲۰۰۸ WWW.Theotheriraq.com) طبق پیشنویس قانون اساسی کردستان عراق سیستم حکومتی دولت منطقه‌ای کردستان پارلمانی، دموکراتیک و جمهوری است (ماده ۱) و ملت سرچشمه‌ی قدرت و مشروعیت تعیین شده است (ماده ۳) حکومت منطقه‌ای کردستان عراق دارای ۳ قوه مقننه، مجریه و قضائیه است (ماده ۳۹) اعضای پارلمان ۱۱۱ نفر و میزان ۳۰٪ آن برای زنان تضمین شده است (ماده ۴۱) دوره پارلمان ۴ ساله است (ماده ۴۲) که اعضای آن از طریق رأی گیری عمومی، آزاد، مستقیم و مخفی شهروندان انتخاب می‌شوند (ماده ۴۰). قوه مجریه کردستان عراق از رهبر اقلیم و انجمن وزیران تشکیل شده است (ماده ۵۹). رهبر اقلیم از اختیارات بالایی برخوردار است و علاوه بر ریاست قوه مجریه، فرمانده کل قوا و هماهنگ کننده اختیارات اقلیم و دولت مرکزی است (ماده ۶۰). رهبر اقلیم از مشروعیت همپایه با پارلمان برخوردار است و از طریق همه پرسی عمومی، مخفی و مستقیم شهروندان اقلیم انتخاب می‌شود (ماده ۶۲) انجمن وزیران از نخست وزیر، جانشین او و وزیران تشکیل شده است (ماده ۷۰) قوه قضائیه کردستان مستقل است و از انجمن قضائی، دادگاه قانون اساسی، دادگاه استیناف، دادستان و دادگاهها تشکیل شده است (ماده ۷۷).

۶- یافته‌های تحقیق

این بخش به ظرفیتهای تأثیرگذاری دولت منطقه‌ای کردستان و تأثیرات آن بر پیرامون اختصاص داده شده است.

۶-۱- ظرفیت‌ها و امکانات تأثیرگذاری کردستان عراق بر پیرامون

تعامل سیاسی- فرهنگی کردستان عراق با پیرامون خود با وجود برخی ظرفیت‌ها تقویت می‌شود. در این بخش به اصلی‌ترین ظرفیت‌های تأثیرگذاری کردستان عراق بر دیگر مناطق گردنشین می‌پردازیم.

۶-۱-۱- موقعیت سیاسی - جغرافیایی کردستان

مرزهای سیاسی بین ایران، عراق، سوریه و ترکیه در مناطق کُردنشین، کُردستان را به چهار بخش اصلی تقسیم کرده است. این مناطق دارای اشتراکات زبانی، فرهنگی، نژادی، تاریخی و... هستند (رندل، ۱۳۷۹: ۱۹) و مسلماً رویدادی در هر بخش، دیگر بخش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ولی به علت وجود تمایزاتی در بخشهای مختلف کُردنشین منطقه، تأثیرپذیری آنها یکسان نخواهد بود.

۶-۱-۲- سابقه مبارزاتی طولانی

از همان ابتدای تشکیل کشور عراق و حتی زودتر، جنگ کرد و عرب آغاز گردید و طی سه دوره ۱۹۲۵-۱۹۱۵، ۱۹۷۵-۱۹۶۵، ۱۹۹۱-۱۹۸۰ شدت گرفت (کرمی، ۱۳۷۸: ۷۷). کُردها در هنگام تولد کشور عراق، با استناد به اصول ۱۲ گانه ویلسون و عهدنامه سور، خواستار استقلال بودند و به مرور با اعلام استقلال عراق (۱۹۳۲) کُردها خواهان خودمختاری فرهنگی - سیاسی در چارچوب عراق و همچنین مشارکت داده شدن مناسب در پست‌های حکومت مرکزی بودند (الیس، ۱۳۸۶: ۲۱۳). سابقه‌ی طولانی در مبارزات استقلال‌طلبانه و خودمختاری‌طلبانه در عراق و تثبیت ناسیونالیسم کُرد در این بخش از کُردستان، باعث شده است که وضعیت فعلی این منطقه، تأثیرات عمیقی را بر پیرامون بگذارد (www.sbeiy.com ۱۳۸۸/۵/۲۵).

۶-۱-۳- جایگاه کردها در قانون اساسی عراق (۲۰۰۵)

اگرچه قانون اساسی عراق، تمام خواسته‌های کُردها را برآورده نمی‌کند ولی با این حال استقرار نظام جمهوری پارلمانی، دمکراتیک و فدرال (ماده ۱)، پذیرفتن هویت متمایز کُردها از اعراب (ماده ۳)، رسمیت زبان کُردی (ماده ۴)، آزادی آموزش به زبان مادری (ماده ۴)، برابری تمام عراقی‌ها بدون هرگونه تبعیض در برابر قانون (ماده ۱۴)، به رسمیت شناخته شدن منطقه اقلیم کُردستان و مقامات آن و مصوبات پارلمان کُردستان از بدو تشکیل (۱۹۹۲) به بعد (مواد ۱۱۴ و ۱۳۷)، به رسمیت شناخته شدن نیروهای پیشمرگ و سازمان اطلاعاتی

کردستان (پاراستن) (ماده ۱۱۸)، تضمین حقوق اداری، سیاسی، فرهنگی و آموزشی قومیت‌های مختلف کشور (ماده ۱۲۲)، وجود نوعی حق وتو براساس شرایط ویژه برای رد هرگونه اصلاح مواد قانون اساسی که نقض اختیارات مناطق باشد و جزو اختیارات انحصاری مقامات فدرال نباشد (ماده ۱۲۳)، ممانعت از رئیس جمهور یا نماینده‌ی مجلس شدن دست‌اندرکاران سرکوب قیام ۱۹۹۱ و جنایات انفال (ماده ۱۳۵)، تعیین دوره‌ی زمانی برای همه‌پرسی در کرکوک و دیگر مناطق تعریف شده‌ی کردستان به منظور بازگشت به محدوده‌ی کردستان (ماده ۱۳۶)؛ از جمله دستاوردهای مهم کردها در قانون اساسی عراق می‌باشد.

۶-۱-۴- وضعیت فرهنگی - هویتی کردها در منطقه

کردها در ترکیه و سوریه از حقوق فرهنگی- هویتی و سیاسی خود محروم هستند. در عراق قبل از شکل‌گیری حکومت منطقه‌ای کردستان عراق به جز دوره محدود اوایل اقتدار قاسم (۱۹۶۱-۱۹۵۸) کردها متحمل شدیدترین سرکوب‌های سیاسی- فرهنگی، نژادی- هویتی شدند (یلدیز، ۱۳۸۷: ۳۵۹-۳۵۰). در ایران نیز با وجود وضعیت مناسب‌تر نسبت به ترکیه، سوریه و عراق قبل از دهه ۱۹۹۰، دارای مشکلاتی چند در ابعاد فرهنگی و اقتصادی هستند (www.sbeiy.com ۱۳۸۸/۵/۲۵).

۶-۱-۵- انقلاب ارتباطات و کردها

مسئله‌ای که کمتر بدان پرداخته شده ولی دارای اهمیت فراوانی در آینده نزدیک می‌باشد شبکه ارتباطات گسترده جهانی در مناطق گردنشین و دنیای خارج می‌باشد. هیچ‌کس نمی‌داند که انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی چه تأثیری بر رفتار و منش سیاسی کردها خواهد داشت، ولی آنچه مسلم است این است که این تأثیرات بسیار عمیق خواهد بود (همان) اساسی‌ترین واقعیت این است که توسعه سیستم‌های ارتباطی برای جوامع بسته این امر را بسیار دشوار خواهد ساخت که این‌گونه جوامع در عین حال که مایلند بخشی از اقتصاد جهانی به‌شمار آیند، مانع دسترسی شهروندان خود به اطلاعات سانسور نشده شوند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۳۴۲).

۶-۲- تأثیرات حکومت منطقه‌ای کردستان عراق بر پیرامون

شکل‌گیری دولت منطقه‌ای کردستان، در جوار مناطق کردنشین منطقه و با توجه به ساختار قومی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند چالش‌هایی را برای ترکیه، ایران و سوریه در پی داشته باشد (۱۳۸۸-۲/۵/۳۰: www.mukiryani.com). با تداوم حیات و تثبیت آن در قانون اساسی این کشور، احتمال درخواست خودمختاری و فدرالیسم از سوی کردهای کشورهای منطقه مطرح خواهد شد (یلدیز، ۱۳۸۷: ۳۵۷). بازتاب تحولات شکل گرفته در عراق و تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی کردها در ساختار جدید داخلی این کشور، می‌تواند خواسته‌های کردها را در بعد منطقه‌ای نیز گسترش دهد (غه فور، ۲۰۰۵: ۱۹۷).

۶-۲-۱- تقویت هویت و فرهنگ کردی

دست‌آورد کردها در قانون اساسی عراق، توانمندی رسانه‌ای حکومت منطقه‌ای کردستان در بعد جهانی (شبکه‌های ماهواره‌ای)، به همراه هزاران وب‌سایت کردی، انتشار بیش از ۴۰۰ مجله که شامل ۱۳ روزنامه نیز می‌شود، وجود ۱۴ دانشگاه و در نهایت مشارکت کردها در اداره حکومت مرکزی، بر توان تأثیرگذاری فرهنگی کردستان عراق بر پیرامون افزوده است^۱. به‌عبارت دیگر توانایی انجام فعالیت‌های گسترده فرهنگی در قلمرو حکومت کردستان از قبیل انتشار کتب و مجلات کردی، با توسعه زبان کردی، انتشار نشریات، سمینارها و فستیوال‌های فرهنگی، ادبیات، یادمان شخصیت‌های کردی و تاریخی کردستان و نظایر این تأثیرات گسترده‌ای بر دیگر مناطق کردنشین گذاشته است یا خواهد گذاشت. اخبار و محتوای فعالیت‌های فرهنگی حکومت منطقه‌ای کردستان عراق از طریق رسانه‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی به‌صورت گسترده پخش می‌شوند و کردها با هویت و فرهنگ خود پیوند مجدد می‌خورند (۸۶/۶/۲۷: www.mkiryani.com). همواره یکی از موضوعات مورد بحث کردها در اندیشه خودمختاری و تعامل با دولتهای مرکزی، مسأله فرهنگ و زبان کردی بوده است. بنابراین اقدامات حکومت منطقه‌ای کردستان در پردازش، ارتقا و ترویج فرهنگ، تاریخ و زبان کردی و انتشار آن توسط

^۱- آمارو ارقام این بخش از سایت www.krg.com و www.sbeiy.com گرفته شده است.

رسانه‌ها، می‌تواند باعث گسترش علاقه‌گردهای جهان و منطقه‌خاورمیانه به حکومت منطقه‌ای کردستان عراق شده و محبوبیت آن را افزایش دهد و از آن‌گویی ایده‌آل و آرمانی در ذهن‌گردهای سایر مناطق ایجاد نماید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۲).

۶-۲-۲- تأثیرات ذهنی - روانی

از آوریل سال ۱۹۹۱، دولت منطقه‌ای کردستان در حال اجرای امور خود بوده است. دانشگاه‌ها باز شده‌اند، مجوز ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی تنظیم شده‌اند، انتخابات شهری و پارلمانی برگزار شده‌اند، پلیس و نیروهای امنیتی به‌وجود آمده‌اند، یک بانک مرکزی تأسیس شده، پرچم و سرود ملی و پایتخت تعیین شده است (الیس، ۱۳۸۶: ۲۱۲). تثبیت حکومت منطقه‌ای کردستان در پی تحولات سال ۲۰۰۳ به بعد و دستاورد‌گردها در قانون اساسی عراق، باعث شده است که اعتماد به نفس‌گردها بالا رود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳).

۶-۲-۳- تقویت هویت و ناسیونالیسم کردی

کردها از شکل‌گیری دولت منطقه‌ای کردستان قوت قلب گرفته و به آینده امیدوار هستند و انتظار دارند که در کشورهای خودشان فرصت‌های بیشتری در اختیار آنها گذاشته شود. همچنین پس از تأسیس این حکومت، فعالیت‌های فرهنگی و ارزش‌های‌کردی در تمام منطقه توسعه‌یافته و ارتباطات اجتماعی بین‌گردهای عراق و با‌گردهای کشورهای همسایه گسترش پیدا کرده است (همان). در نتیجه، در اثر شکل‌گیری حکومت منطقه‌ای کردستان احساسات ملی‌گرایانه مردم‌گرد در کل منطقه تقویت شده است.

۶-۲-۴- افزایش مطالبات از دولت مرکزی

تأثیر سیاسی خودگردانی شمال عراق بر‌گردهای منطقه را می‌توان در حوزه روابط با دولت‌های مرکزی آنها ردیابی کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳). دستاورد‌های کردها در عراق باعث بهبود موقعیت حقوقی و اوضاع معیشتی‌گردهای منطقه شده است. ترکیه تحت فشار اتحادیه اروپا و اثرات وضعیت کردستان عراق و فعالیت پ.ک.ک، گام‌های عمده‌ای به نفع‌گردهای

این کشور برداشته که انتشار نشریه‌های سراسری کردی، راه‌اندازی شبکه‌ی رادیویی و تلویزیونی کردی و پخش برنامه‌های کردی از شبکه‌های سراسری ترکیه، آزادی آموزش زبان و تدریس زبان کردی در مدارس (فعالاً خصوصی)، اجرای پروژه‌های زیربنایی در کردستان ترکیه و پرداخت غرامت به آسیب دیدگان از درگیریهای دهه ۱۹۹۰ و قبل از آن به کردها، از آن جمله هستند (www.kurdland.com/۱۳۸۸/۶/۱). کردهای ایران با آگاهی از این تحولات عمدتاً از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی؛ مطالبات خود را بر اساس این تحولات مهم تنظیم می‌نمایند. جریان اصلاح طلب‌کرد، مطالبات فرمول‌شده‌ای را از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری ایران در دوره نهم (۱۳۸۴) مطرح کرد و رأی دادن به آنها را موکول به پذیرش آن نمود. در بین این مطالبات بر آموزش رسمی زبان کردی، بازگشت کردهای خارج از کشور، آزادی نشر مطبوعات کردی، رفع توسعه‌نیافتگی منطقه‌ای و تبعیض اجتماعی، مشارکت سیاسی در سطح منطقه‌ای و ملی تأکید شده است (هفته‌نامه سیروان، شماره ۳۶). استقبال کردهای ایرانی از تصویب قانون اساسی موقت عراق و فدرالیسم کردی در اسفند ۱۳۸۲ و شادمانی آنها بخصوص در مهاباد از رئیس‌جمهور شدن جلال طالبانی در عراق در مقایسه با مشارکت بسیار کم در انتخابات شورای اسلامی (۱۳۸۲)، مجلس (۱۳۸۳) و دوره نهم ریاست جمهوری (خرداد و تیر ۱۳۸۴) قابل تأمل است. در شرایطی که کردهای عراق نه تنها در استان‌های کردنشین عراق از حق نظام فدرالی برخوردار گردیده‌اند، بلکه در دولت مرکزی نیز سهمی فراوان دارند، پرسش از جایگاه هموطنان کرد در نظام مدیریتی ملی و استان‌های کردنشین، پرسش قابل انتظاری است که نباید به‌جای پاسخگویی، به پاک کردن صورت مسئله پرداخت. در غیر این صورت پیامد ناگوار بی‌توجهی به این قبیل مطالبات را می‌توان در کاهش معنادار میزان مشارکت سیاسی کردها همانند سه انتخابات ذکر شده، در بالا مشاهده کرد (حق‌پناه، ۱۳۸۶: ۷). تأثیر فعلی وضعیت کردستان عراق بر کردستان سوریه را می‌توان در وقایعی نظیر، درگیری‌های نوروز ۱۹۹۵ که ۶۰ نفر دستگیر شدند و نوروز ۱۹۹۸ که چندین نفر به اتهام پخش آهنگ‌های ناسیونالیستی کردی زندانی شدند جستجو کرد. از این دست وقایع فراوانند از جمله، در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۲، روز جهانی حقوق بشر، ۱۵۰ عضو حزب دمکرات کردستان سوریه بیرون از پارلمان تظاهرات کرده و خواهان اعطای تابعیت به کردها، رفع

ممنوعیت زبان گُردی و احترام به حقوق بشر در سوریه شدند. در ۲۵ ژوئن ۳۸۰ کودک گُرد به منظور گرامیداشت روز جهانی کودک در یک راهپیمایی صلح‌آمیز به سمت مقر سازمان یونسف در دمشق شرکت کردند، این کودکان خواهان آزادی فرهنگ و آزادی زبان و حقوق بشر بودند. در روز ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ مجدداً احزاب گُرد و سازمانهای حقوق بشر سوریه به منظور احترام به موازین بین‌المللی حقوق بشر و برخورداری همه شهروندان سوریه از این حقوق در تظاهرات دیگری شرکت کردند. برخورد شدید دولت سوریه با معترضین در مارس ۲۰۰۴ منجر به مرگ چندین گُرد در قامیشلو شد. در پی آن هزاران گُرد در اعتراض به این قتل‌عام و سرکوب عمومی حزب بعث به خیابان آمدند. پلیس برای فرو نشانیدن اعتراض‌ها از سلاحهای جنگی استفاده کرد که منجر به کشته و زخمی و بازداشت شدن صدها گُرد دیگر شد (یلدیز، ۱۳۸۷: ۳۵۹ و ۳۳۷ و ۳۵۲-۳۵۰).

۶-۲-۵- حمایت از مخالفان کرد کشورهای پیرامون

حکومت منطقه‌ای کردستان عراق در ابتدا بسیار ضعیف بود و به‌سختی حقوق کارمندیهای خود را تأمین می‌کرد. در این دوره آنها به فکر تثبیت قدرت و ادامه بقا بودند. همین مسأله باعث شده بود امتیازاتی به کشورهای پیرامونی بدهند.

در مقطع کنونی، دولت منطقه‌ای کردستان به‌راحتی اوایل دهه ۱۹۹۰ به کشورهای منطقه امتیاز نمی‌دهد. این دولت اکنون اگرچه در ظاهر روابط خود با ایران، ترکیه و سوریه را حفظ کرده است، اما نحوه تعامل آن با مخالفین گُرد این سه کشور به‌گونه‌ای است که آنها با حمایت مادی و معنوی شخصیت‌های گُرد عراقی، به فعالیت خود ادامه می‌دهند (کوچرا، ۲۰۰۳: ۲۶۰-۲۴۷).

۶-۲-۶- رونق تجارت و قاچاق کالا

مناطق گُردنشین خاورمیانه، به لحاظ اقتصادی و توسعه، از مناطق عقب افتاده کشورهای متبوع خود هستند. برای مثال، مناطق گُردنشین ترکیه تنها ۴ درصد تولید ناخالص داخلی^۱ را تولید می‌کنند که فقط ۲ درصد آن تولید صنعتی است. بیکاری در این منطقه دو برابر دیگر نقاط

است (۲۵ درصد). درآمد سرانه استان‌های گُردنشین کمتر از ۰/۱ استامبول است. درآمد ماهانه یک خانواده در گُردستان ترکیه حدود ۷۵ دلار است که از متوسط کشور (۱۹۵ دلار) بسیار پایین‌تر است. (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۰) وجود تهدیدات نظامی، رفت و آمدهای غیرقانونی، حضور قاچاقچیان به دلیل قاچاق کالا گروهک‌های مخالف حکومت مرکزی، اشرار و مهمتر از همه توسعه‌نیافتگی فضاها و سکونتگاه‌های جغرافیایی، مرزهای مناطق کرد نشین را به نقاط دارای خطر مبدل ساخته است که جلوگیری از این بحران‌ها، تمهیدات و مدیریت‌های خاصی را از سوی حکومت مرکزی می‌طلبد (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۶).

۶-۲-۷- تأثیرات منطقه‌ای

به واسطه‌ی حوادث و رخداد‌های تاریخی و نیز رویکردهای قهرآمیز حکومت‌های مرکزی در طول زمان، مفهوم مرز و مناطق مرزی در اغلب موارد یادآور نوعی «خطر و ناامنی» است و ضمناً پیوستگی به اقدامات نظامی را به ذهن متبادر می‌سازد (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۴). نگرانی شدید سه کشور مذکور از تحولات شمال عراق و گسترش دستاوردهای گُردها در آن کشور همواره از اولویت‌های سیاست خارجی سه کشور نسبت به همدیگر است. در ۱۴ نوامبر ۱۹۹۲ وزرای خارجی ترکیه، ایران و سوریه برای بحث درباره وضعیت گُردستان عراق برای بار اول با هم دیدار کردند. توجه سه کشور به نگرانی از تجزیه عراق و استقلال گُردستان معطوف بود. وزیر خارجه ترکیه بیان کرد که لازم است کشورهای منطقه در ارتباط با وضعیت فعلی گُردستان عراق و دستاوردهای آن با هم رایزنی کنند، وزیر امور خارجه سوریه هدف اصلی اجلاس را برخورد با گُردهای عراق و کنترل وضعیت پیش آمده عنوان کرد و همتای ایرانی آنها در مورد وضعیت شمال عراق از اصطلاح هرج و مرج استفاده کرد و گفت که این مسئله می‌تواند امنیت ملی هر سه کشور را به خطر بیندازد (Gunter, 1993: 312). در سال ۱۹۹۷ با عقد پیمان امنیتی بین اسرائیل و ترکیه این دیدارها قطع شد. پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، این کشورها دوباره به دیدگاه مشترک خود در مورد گُردستان عراق رسیدند.

۶-۲-۸- جهانی کردن مساله کرد و وارد کردن آن به معادلات بین‌المللی

حکومت منطقه‌ای کردستان روابط گسترده‌ای با بسیاری از کشورهای منطقه دارد و دارای نمایندگانی در کشورهای منطقه و اروپایی و آمریکا است (www.KRG.com). اکنون کردها در دستگاه دیپلماسی کشور عراق به‌طور گسترده‌ای حضور دارند. این مسائل مسلماً در افزایش مطالبات کردهای منطقه از دولت مرکزی خود تأثیرگذار خواهد بود.

۷- تجزیه و تحلیل

تصویب قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت در سال ۱۹۹۱ را باید نقطه عطفی در تاریخ تحولات کردستان عراق دانست، زیرا از آن پس امنیت کردستان با منافع و اهداف آمریکا پیوند بیشتری یافت. کردها در سایه نیروهای عملیات چکش تعادل برای حفاظت از منطقه‌ی امن کردستان عراق، در سال ۱۹۹۲ در نبود دستگاه اداری و وجود خلاء قدرت دولت مرکزی، به‌منظور اداره منطقه‌ی پرواز ممنوع که عملاً از کنترل صدام خارج شده بود، اقدام به برگزاری انتخابات پارلمانی برای تشکیل دولت منطقه‌ای کردستان در چهارچوب عراق نمودند. جنگ قدرت دو حزب اصلی کردستان عراق در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۴ با میانجی‌گری واشنگتن در اواخر دهه ۱۹۹۰ ظاهراً به اتمام رسید، اما در عمل اختلافات این دو جناح اصلی در کردستان عراق تا ۲۰۰۳ ادامه یافت. احزاب کردی عراق در سال ۲۰۰۳ با کنار گذاشتن اختلافات داخلی در کنار نیروهای ائتلاف با نیروهای بعثی جنگیدند. بعد از جنگ، دو حزب اصلی کرد در راستای افزایش توان چانه‌زنی در برابر حکومت مرکزی، هم‌پیمان شده و در انتخابات مجمع ملی با فهرستی مشترک شرکت کردند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۷: ۸۱). نگاهی اجمالی به جهت‌گیری و اهداف رهبران کرد عراقی دست‌کم پس از سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که الگوی رفتاری کردها بر همگرایی و همکاری تاکتیکی با گروه‌های گوناگون در جهت دستیابی به اهداف عمده خود یعنی افزایش وسعت ناحیه اقلیم کردستان عراق، خودگردانی بیشتر و کنترل شهر کرکوک است (اسدی، ۱۳۸۵: ۴۲). در این پژوهش برای سنجش میزان و شدت تأثیرات دولت منطقه‌ای کردستان بر پیرامون از فاکتورهای میزان تجانس بخشهای کردنشین منطقه به لحاظ فرهنگی با

دولت منطقه‌ای کردستان و دولت مرکزی مربوطه، وسعت و جمعیت مناطق کردنشین، طول مرز بادولت منطقه‌ای کردستان و سیاست دولتهای مرکزی در قبال مساله کردی و وضعیت اقتصادی مناطق کردنشین در مقایسه با دیگر مناطق کشور استفاده شده است. میزان تأثیرپذیری بخشهای مختلف کردستان از تحولات کردستان عراق یکسان نیست. در بین کردها یک زبان ادبی یکدست وجود ندارد که قبل از هر چیز نتیجه نبود رسم الخط یکدست می‌باشد (قاسملو، ۱۹۷۳: ۳۰۱). زبان کردی با سه سیستم الفبایی عربی و فارسی در ایران و عراق، لاتین در سوریه، ترکیه، عراق و سیرلیک در ارمنستان نگارش می‌گردد (مک داوول، ۱۳۸۰: ۲۷). نادر انتصار نیز از زبانهای کردی نام برده است و معتقد است که تفاوت‌های بین کرمانجی، زازا و سورانی به حدی است که می‌توان هر کدام را به‌عنوان زبانی جدا در نظر گرفت (انتصار، ۱۳۸۱: ۲۰-۲۲). علاوه بر این هر بخش از کردستان در حالی که بخشی از سیستم کردستان می‌باشد در عین حال بخشی از سیستم دولت مرکزی خود نیز هستند و بر این اساس کردها هویت دوگانه خود را پذیرفته‌اند. سیستم عربی و سنی، سیستم ایرانی و شیعی، سیستم ترکی و آذری به‌صورت غیرمستقیم از طریق دولتهای دارای اقلیت گرد با سیستم کردستان در رابطه قرار می‌گیرند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۰-۳۱). در این نوع سیستم‌های فرعی مرتبط با کردستان باید به سیستم ارمنی و مسیحی نیز اشاره کرد. سیستم کردستان بیشترین تجانس را با سیستم آریایی دارد. اما تجانس این سیستم با سیستم تورانی-آلتایی و سیستم عربی-سامی بسیار اندک‌تر می‌باشد. علت و ریشه‌ی اصلی پیدایش مسأله‌ی کردستان در ترکیه را باید در هویت‌زدایی قومی و فرهنگی از کردها دانست. در این کشور حساسیت به زبان و فرهنگ کردی باعث شده است که تکلم به زبان کردی، گوش دادن به موسیقی کردی، چاپ و نشر به این زبان و آموزش آن و همچنین آداب و رسوم و اعیاد ملی کردها همواره ممنوع باشد (یلدیز، ۱۳۸۷: ۳۵۶). در سوریه پس از استقلال این کشور (۱۹۴۶) زبان کردی ممنوع و هویت کردی انکار شد. سیاست منحصر به فردی که سوریه در قبال مساله کردستان در پیش گرفته است، سلب تابعیت از شمار کثیری از کردها می‌باشد (الیس، ۱۳۸۶: ۲۱۳). تا سال ۱۹۸۶ برگزاری مراسم مربوط به نوروز در سوریه ممنوع بود (یلدیز، ۱۳۸۷: ۳۶۱). اما در قانون اساسی ایران آموزش ادبیات زبان کردی در کنار زبان فارسی بلامانع می‌باشد (اصل ۱۵) مؤمنی با

استناد به آمار رسمی سال ۱۹۸۵ تعداد گُردهای ترکیه در سال ۱۹۹۷ را بالغ بر ۱۸ میلیون نفر ذکر کرده است (مؤمنی، ۱۳۸۴: ۹۹) و با توجه به رشد ۳/۲۷ درصدی جمعیت گُردهای ترکیه (ملا عمر عیسی، ۱۳۸۰: ۲۵) در حال حاضر جمعیت گُردهای ترکیه بیش از ۲۶ میلیون نفر یعنی حداقل یک سوم جمعیت ترکیه می‌باشد. ولی مقامات ترک جمعیت گُردها را کمتر از ۲۰ درصد کل جمعیت کشور ذکر می‌کنند (اطلس جامع گیتاشناسی، ۱۳۸۷: ۸۵). جمعیت گُردهای سوریه ۹ درصد جمعیت ۱۹ میلیونی سوریه را تشکیل داده‌اند که رقمی در حدود ۱/۷ میلیون نفر می‌شود (Bateman, 395: 2007). گُردها ۹ درصد کل جمعیت ایران (۶/۴ از ۷۰ میلیون نفر) را تشکیل داده‌اند (نصیری مشکینی، ۱۳۷۸: ۱۶۹). قاسم‌لو مساحت تقریبی مناطق کردنشین خاورمیانه را ۴۰۹۶۵۰ کیلومتر مربع نوشته است (مهری‌پور، ۱۳۷۹: ۶۵). که مساحت گُردهای ترکیه حداقل ۱۹۴۴۰۰ کیلومتر مربع، کردستان سوریه ۱۸۳۰۰ کیلومتر مربع و گُردهای ایران حداقل ۱۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع است (قزازی، ۱۳۸۱: ۱۵). کردستان ترکیه بیش از ۲۵ درصد مساحت ترکیه را تشکیل داده است در حالی که مساحت نواحی کردنشین ایران و سوریه به نسبت مساحت کل کشور به ترتیب ۷/۶ و ۱۰ درصد مساحت کل کشور می‌باشد. همچنان که عه‌بدوللا گفته است کل مناطق مرزی عراق- ترکیه در دوسوی مرز، گُردهای ایران و سوریه به گُردهای ترکیه، ۳۵۰ کیلومتر مرز مشترک با مرکز سیستم گُردهای ایران (دولت منطقه‌ای کردستان) دارد (عه‌بدوللا: ۲۰۰۵: ۱۰۹). عراق با سوریه ۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد که بیشتر از ۱۰۰ کیلومتر آن از گُردهای عراق و گُردهای سوریه می‌گذرد (همان: ۱۱۲). یعنی بیش از یک‌ششم مرز عراق- سوریه از نواحی گُردهای ایران با عراق بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر است که بخش بزرگتر آن در استان‌های آذربایجان غربی، گُردهای کرمانشاه و ایلام از مناطق کردنشین دو کشور می‌گذرد. با وجود آمارهای متفاوت جمعیتی و مساحتی در مورد جمعیت گُردها و مساحت، گُردهای ترکیه، می‌توان گفت، گُردهای ترکیه هم به لحاظ جمعیت و هم به لحاظ مساحت بزرگترین بخش سیستم گُردهای ایران و گُردهای سوریه به لحاظ جمعیتی و مساحتی کوچکترین بخش سیستم گُردهای ایران است. گُردها در قسمت‌های شمالی سوریه و در امتداد مرز ترکیه- سوریه و شمال شرقی و در امتداد مرز عراق- سوریه و در سه بخش مجزا ساکن هستند (Mc Dowall, 2000:466). این موارد نشان می‌دهد که ترکیه به علت جمعیت انبوه کرد،

وسعت بیشتر مناطق کردنشین، مرز گسترده و کوهستانی با دولت منطقه‌ای کردستان، تشابهات مذهبی و فرهنگی بیشتر با کردستان عراق و نیز محدودیت‌های بیشتر فرهنگی - سیاسی در کنار توسعه‌نیافتگی کردستان ترکیه و روابط اقتصادی گسترده بین دو سوی مرز (www.KRG.com/۵/۱۰/۸۷) تحت تأثیرات بیشتری از تحولات کردستان عراق قرار دارد. سوریه به علت کمتر بودن جمعیت کرد و مساحت نواحی کردنشین در کنار پراکندگی این مناطق در ۳ بخش مجزا و تمرکز بیش از ۱/۳ کردهای این کشور در دمشق (Mc dowall, 2000:466) در معرض تأثیرات کمتری است.

فشار نهادهای حقوق بشر به ترکیه برای رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها، شروط اتحادیه‌ی اروپا برای قبول عضویت ترکیه در این اتحادیه، فعالیت‌های وسیع و گسترده‌ی سیاسی و نظامی پ.ک.ک، محرومیت مضاعف مناطق کردنشین نسبت به دیگر مناطق کشور و بخصوص تحولات شمال عراق و ظهور دولت منطقه‌ای کردستان باعث شده است بحران کردستان ترکیه وارد مرحله‌ای جدید و حساس شود (www.sbeiy.com ۸۷/۸/۲۶). اکنون در ترکیه رسماً حضور اقلیت کرد به رسمیت شناخته شده است (۱۹۹۲)، مطبوعات کردی در سطحی محدود و قابل کنترل اجازه‌ی نشر دارند (۱۹۹۱)، ظاهراً حکومت نظامی در کردستان ترکیه لغو شده (۲۰۰۳)، عید باستانی کردها یعنی نوروز به رسمیت شناخته شده (۲۰۰۲) و پخش برنامه‌ی رادیو و تلویزیونی به زبان کردی شروع شده است (۲۰۰۹). این اقدامات ترکیه در حقیقت نشان دهنده‌ی تأثیرات وضعیت کردهای عراق، مبارزات کردهای ترکیه و گسترش سریع ارتباطات و فشار اتحادیه اروپا است (کوچرا، ۲۰۰۳: ۲۷۶). تأثیرپذیری کردهای ایران از وضعیت ویژه‌ی کردستان عراق را می‌توان در وقایعی از قبیل ناآرامی‌های تابستان ۱۳۸۴ مهاباد، تشکیل فراکسیون کرد مجلس متشکل از نمایندگان شیعه و سنی کرد که نشان دهنده‌ی اصالت یابی هویت نژادی در برابر هویت مذهبی بود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳) و نیز شادمانی کردهای کشور بخصوص سنندج و مهاباد از اعلام نظام فدرالیسم در عراق و رئیس جمهور شدن طالبانی و متعاقب آن مشارکت کم کردهای کشور در انتخابات شورا، مجلس و دوره‌ی نهم ریاست جمهوری (حق‌پناه، ۱۳۸۶: ۶) و نیز درخواست مطالبات فرموله شده‌ی اصلاح طلبان کرد از نامزدهای ریاست جمهوری دوره‌ی نهم تعقیب کرد (هفته‌نامه سیروان، شماره ۳۶).

تأثیرپذیری کردهای سوریه را می‌توان در ناآرامی‌های مارس ۲۰۰۴ شهر قامیشلو در کردستان سوریه را که به سرعت در دیگر مناطق کردنشین این کشور گسترش یافت ردیابی کرد. در ایران نیز با وجود وضعیت مناسب‌تر نسبت به ترکیه و سوریه و عراق قبل از دهه ۱۹۹۰، دارای مشکلاتی چند در ابعاد فرهنگی، سیاسی-اقتصادی هستند. گردهای ایران همواره نسبت به اجرایی نشدن بعضی از اصول قوانین اساسی که در مورد حقوق اقلیت‌ها می‌باشد بخصوص اصل ۱۵ گلايه داشته‌اند. با وجود این در ایران هویت گردها به رسمیت شناخته شده و در قانون اساسی آموزش به زبان کردی در کنار زبان فارسی آزاد اعلام شده است (هر چند اجرا نشده). ولی اکنون مؤسسه‌های خصوصی آموزش زبان کردی در کردستان ایران فعالیت می‌کنند؛ درحالی‌که گردهای ایران آزادانه با دیگر ایرانیان جشن نوروز را برگزار می‌کنند، یکی از موارد درخواستی حرکت‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی گردها در کشور عراق، ترکیه و سوریه اعتنا به جشن نوروز و به رسمیت شناختن این آیین و اعلام آن به عنوان تعطیل رسمی بوده است که دولتهای مزبور پس از درگیری‌های متوالی سیاسی و نظامی، این عید باستانی ایرانی-کردی را به رسمیت شناختند (سلطانی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). از زمان به قدرت رسیدن کمالیست‌ها در ترکیه سخن گفتن به زبان کردی در آن کشور ممنوع شده است. حتی در اوایل دهه ۱۹۳۰ مرکز ویژه‌ای در مراکز پلیس ترکیه تأسیس شد که وظیفه آن جریمه کردن متکلمان به کردی بود (گول، ۱۳۸۲: ۴۲). بند ۸۸ قانون اساسی جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۴ می‌گوید: «تمام ساکنان ترکیه، صرف‌نظر از مذهب و نژاد ترک هستند.» بر اساس این قانون، در ترکیه تنها ترکها حق زندگی دارند. کلیه حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی فقط برای ترکها تعریف شده است و غیرترک در کشور ترکیه معنایی ندارد. بر اساس بند ۴۲، آموزش هر زبانی غیر از ترکی در ترکیه ممنوع است. بند ۶۶ نیز چنین می‌گوید: «کسانی که ترکیه را سرزمین خود می‌دانند ترک هستند.» این مواد از قانون اساسی ترکیه کلاً ناقض حقوق انسانی هستند و در چارچوب قانون اساسی یک کشور برابری انسانها را نادیده می‌گیرند. مجامع حقوق بشر در جهان این انتظار را دارند که قانون اساسی کشورهای جهان، لاقلاً به لحاظ تئوریک، با حقوق بین‌الملل در تعارض نباشد (همان: ۵۲-۵۱) در حالی‌که بین یک چهارم تا یک سوم جمعیت ترکیه کرد هستند (ملا عمر عیسی، ۱۳۸۰: ۲۵). در بیانیه وزارت دادگستری ترکیه به تاریخ ۱۹۸۳/۶/۲۰ آمده است

که تا زمان صدور بیانیه، ۸۷۸۶۶ نفر در زندانهای ترکیه به سر می‌برده‌اند که ۸۱۰۰۰ نفر (۹۲/۲ درصد) آنها کُرد بوده‌اند (گول، ۱۳۸۲: ۵۴). از سیاست‌های ترکیه چنین برمی‌آید که از بدو تشکیل ترکیه نوین تاکنون از آنجا که زبان یکی از ویژگی‌های اصلی شناسنامه ملی است، هر گونه تهاجم برای نابودی هویت کردها نیز از زبان آغاز شده است. رژیم ترکیه با طراحی و اجرای سیاست‌های گام به گام، تلاش کرده است به هر شیوه ممکن اثبات کند زبان کُردی یک زبان مستقل نبوده و شکل ابتدایی از زبان ترکی است (مک داوول، ۱۳۸۰: ۶۳۲). در همین اواخر نیز دولت اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان اعلام کرد که جشن نوروز، جشن ملی ترک‌ها بوده است (۱۳۸۷/۱/۳ WWW.RojTV.com). مقابله دولت ترکیه با زبان و فرهنگ کُردی به آنجا رسیده است که هیچ‌گونه فعالیتی در این زمینه را حتی اگر صرفاً فرهنگی باشد نیز تاب نمی‌آورد. نه تنها شبکه رادیو-تلویزیونی کُردی اجازه فعالیت نداشتند بلکه اگر شبکه‌ای محلی برای چند ثانیه موزیک کُردی پخش می‌کرد به سختی مجازات می‌شد همچنان که در فروردین ۱۳۸۱، پخش برنامه‌های تلویزیون محلی Gon TV در شهر استامبول به جرم پخش یک ترانه کُردی به مدت یکسال متوقف شد (ماهنامه مه‌آباد، فروردین ۱۳۸۱: ۶۳). در راستای ممنوعیت فرهنگ و زبان کُردی حتی نمایندگان پارلمان و دانشجویان نیز در امان نیستند و به گونه‌ای که به گزارش رادیو میزوپوتامیا دادگاه امنیتی ترکیه در ۱۱ فروردین ۱۳۸۱، ۱۲۰ دانشجوی کُرد دانشگاه‌های مرمره و استامبول ترکیه را که طرفدار آموزش زبان کُردی بودند به ۱ تا ۶ سال زندان محکوم کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۱/۱/۱۸). و لیلا زانا، خطیب دجله، سلیم سادا و اورهان دوغان نمایندگان کُرد پارلمان ترکیه که به اتهام سخن گفتن به زبان کُردی در پارلمان ترکیه دستگیر شده بودند مدت ۱۰ سال و ۳ ماه و ۸ روز در زندان بودند و در خرداد ۱۳۸۳ آزاد شدند (ماهنامه مه‌آباد، خرداد ۱۳۸۳: ۶۲). در ترکیه حتی گوش دادن به موزیک کُردی نیز ممنوع بوده است چنانکه صلاح‌الدین اونیر، راننده بین شهری آمید (دیاربکر) و چنار به جرم گوش دادن به موزیک کُردی در دادگاه امنیتی ترکیه به سه سال و نه ماه زندان محکوم شده است (ماهنامه مه‌آباد، فروردین ۱۳۸۱: ۶۳). کُردهای سوریه از وضعیتی به‌مراتب بدتر از وضعیت کُردهای ترکیه برخوردارند ولی به علت جمعیت کمتر و وسعت کمتر مناطق کُردنشین سوریه، مطالب و نوشته‌ها در مورد کُردهای سوریه بسیار اندک است. در سوریه

فعالیت‌هایی از قبیل نوشتن به زبان کُردی، انتشار مطالب کُردی و حتی خواندن اطلاعاتی در مورد فرهنگ و تاریخ کُرد جرم سیاسی فرض می‌شود و به بازداشت منتهی می‌گردد به گونه‌ای که در این کشور یک شخص به خاطر جرمی مثل انتشار یک نوشته کُردی با هر موضوعی حداقل ۵ سال زندانی می‌گردد. در آغاز سال ۲۰۰۲ ابراهیم ناسان یک نویسنده کُرد به سبب پخش مطالب فرهنگی و آموزش به زبان کُردی بازداشت و زندانی شد (یلدیز، ۱۳۸۷: ۳۵۴-۳۵۲). از سال ۱۹۹۲ به بعد ممنوعیت زبان کُردی حتی به نام‌ها گسترش پیدا کرده است به نحوی که مقامات استان کُردنشین حسکه از صدور شناسنامه به اسم‌های کُردی برای نوزادان کُرد امتناع می‌کنند و در سال ۱۹۹۴ استاندار این استان به مالکان حرف تجاری که نام کُردی داشتند یک هفته فرصت داد که نام تجاری خود را به عربی تغییر دهند (همان ۳۵۷). بسیاری از کُردهای سوریه سلب تابعیت شده‌اند، و از کلیه حقوق انسانی و شهروندی محروم گشته‌اند. جشن نوروز در سوریه همانند ترکیه ممنوع بوده و هر سال باعث ایجاد تنشهایی شده است در سال ۱۹۸۶ عید نوروز با تظاهرات گسترده در دمشق همراه بود که با دخالت پلیس پسر جوانی کشته شد. در شهر «عفرین» چندین نفر کشته شدند. به دنبال آن اشخاص متعددی در دمشق و عفرین و جاهای دیگر بازداشت شدند. در پی این حوادث حافظ اسد طی حکمی ۱ فروردین را روز ملی اعلام کرد، ظاهراً به این گمان که با بدل شدن این روز به یک روز تعطیل ملی عربی، ناآرامی‌ها از بین بروند این کار را کرد اما آنچنان‌که در عید نورز ۱۹۹۵ دیده شد این تنش‌ها هنوز ادامه دارد. در نوروز سال ۱۹۹۵، ۶۰ نفر دستگیر شدند. بازداشت دوباره کُردها در نوروز سال ۱۹۹۸ اتفاق افتاد، مقامات در این سال چندین کُرد را متهم به پخش آهنگ‌های ناسیونالیستی کُردی کرده بودند (همان: ۳۵۹-۳۵۸). پخش موسیقی و ویدئوهای کُردی در سوریه ممنوع است و بخشی از هویت کُردی شهرها و روستاهای کُردی سوریه به سبب نام‌های جدید عربی برای همیشه از دست رفته است. سوریه که فاقد تاریخچه‌ای طولانی از حاکمیت دولت در کشور خود بود، عرب‌گرایی را به عنوان هویت خود برگزید و خدمت به آرمان عربی، مهمترین ادعای رژیم بعثی این کشور در قبال مشروعیت بود (الویشس‌هینوس، ۱۳۸۲: ۹۷). بر این اساس هویت و فرهنگ کُردی در این کشور غیر قابل هضم است. در تمام انتشارات رسمی جمهوری عربی سوریه، هرگز نامی از کُردها که تنها اقلیت غیرعرب آن

کشورند برده نمی‌شود. جمهوری عربی است و همه باید عرب شوند (کندال و دیگران، ۱۳۷۲: ۲۶۳). اقدامات سوریه علیه کردها تا جایی پیشرفت کرد که پارلمان اروپا در سال ۱۹۹۲ واکنش تندی به این اقدامات سوریه علیه کردها نشان داده و از سوری‌ها خواست دست از تعریب مناطق گردنشین برداشته و زندانیان سیاسی را آزاد کند (گول، ۱۳۸۲: ۶۹). در حالی که کردها در منطقه از این مشکلات فرهنگی سیاسی برخوردارند، کردهای عراق از موقعیت به مراتب بهتر برخوردار بوده و از یک سو از حکومتی خودمختار در بخشی از کردستان عراق برخوردارند و از سوی دیگر مشارکت گسترده‌ای در هرم قدرت دولت مرکزی عراق دارند. اکنون شبکه‌های ماهواره‌ای کردستان عراق انواع و اقسام برنامه‌ها را به لهجه‌های مختلف کردی پخش می‌کنند. به موازات آن سایتهای اینترنتی زیادی در زمینه موضوعات سیاسی - فرهنگی فعالیت می‌کنند به گونه‌ای که در برخی از این سایتهای هزاران کتاب و آهنگ کردی به‌طور مجانی قابل دسترسی است. شرایط منطقه باعث شده است که بسیاری از شاعران و اندیشمندان کرد منطقه برای فعالیتهای خود به کردستان عراق بروند (www.bbc.co.uk 2008/5/7).

۸- نتیجه‌گیری

استقرار نظام پارلمانی، دموکراتیک و فدرال در عراق، به رسمیت شناخته شدن زبان کردی به عنوان زبان رسمی عراق، عید نوروز به عنوان عید ملی کردها، اقلیم کردستان و مقامات و قوانین تصویب شده توسط پارلمان آن و نیروهای پیشمرگ و سازمان اطلاعاتی کردستان و مشارکت گسترده کردها در هرم قدرت حکومت مرکزی عراق از دستاوردهای کردها در طول دو دهه‌ی اخیر است که در قانون اساسی عراق انعکاس یافته است. دولت منطقه‌ای کردستان با استفاده از پتانسیل‌ها و توانمندی‌های حقوقی و قانونی خود در چارچوب عراق اقدامات فرهنگی - سیاسی، اقتصادی زیادی را انجام داده است. کردها در ترکیه و سوریه و عراق به علت تمایزات نژادی، زبانی و مذهبی واگرا هستند. در عراق واگرایی کردها با مشارکت دادن آنها در هرم قدرت ملی و همچنین تفویض اختیارات محلی گسترده به آنها تا حد زیادی حل شده است. در ایران کردها به لحاظ نژادی، هم‌نژاد اکثریت غالب ایرانی‌ها هستند و به لحاظ مذهبی و زبانی هر چند دارای اختلافاتی می‌باشند اما ریشه‌ی مشترک زبان کردی با دیگر

زبانهای ایرانی، شیعه بودن نیمی از کردهای ایران و همچنین سنی شافعی بودن بقیه که موافق‌ترین و نزدیکترین مذهب سنی به شیعه می‌باشد، این تمایزات زبانی، مذهبی را رقیق‌تر کرده است. تأثیرات دولت منطقه‌ای کردستان در بعد فرهنگی و از لحاظ ترویج و انتشار فرهنگ و هویت کردی در مواردی از قبیل تاسیس صدها مدرسه و چندین دانشگاه که صدها دانشجوی کرد دیگر بخش‌های سیستم کردستان در آن مشغول به تحصیل هستند، انتشار طیف گسترده‌ای از مطبوعات به زبان کردی در موضوعات متنوع سیاسی - فرهنگی، تأسیس چندین کانال و شبکه‌ی رادیویی - تلویزیونی و راه‌اندازی هزاران سایت و وبلاگ کردی با زمینه‌ی فعالیتی فرهنگی - سیاسی و تاریخی، برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای متعدد در بزرگداشت یاد و مقام شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی کرد و دعوت از چهره‌های ادبی، فرهنگی و علمی دیگر مناطق کردنشین سیستم کردستان به صورت گسترده، قابل مشاهده است. به لحاظ سیاسی نیز می‌توان ردپای این تأثیرات را در مواردی از قبیل تغییر سیاست و شعار احزاب کردی و معارض کشورهای منطقه دید. در نتیجه شرایط ایده‌آلی برای کردها در این بخش از سیستم کردستان فراهم شده است؛ به گونه‌ای که مناطق کردنشین منطقه همزمان که از تولیدات فرهنگی کردستان عراق استفاده می‌کنند، به فکر داشتن وضعیتی مشابه با آن می‌باشند. پس می‌توان گفت که خودگردانی کردستان عراق از نظر فرهنگی - سیاسی پتانسیل تقویت هویت و فرهنگ کردها و افزایش مطالبات سیاسی - فرهنگی از دولت مرکزی را دارد. وضعیت سیاسی - فرهنگی کردها در منطقه بخصوص در ترکیه و عراق بستر مناسبی برای تأثیرپذیری از تحولات دولت منطقه‌ای کردستان فراهم کرده است. اقوام کرد نیز بخشی از هویت ایرانی می‌باشند که در خصیصه زبانی - مذهبی از دیگر بخش‌های ایران مستقل می‌باشند. گرچه احساس تعلق قوم کرد به هویت کلان‌تر ایرانی می‌تواند به عنوان پتانسیل مثبت در جهت همگرایی با حکومت مرکزی ایران قرار گیرد، لیکن شکافهای زبانی، قومی و مذهبی با کمک محرومیتهای نسبی اعمال شده در این مناطق موجب انباشت مرکزگرایی است (محمدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۱).

با توجه به مطالب ذکر شده کردستان ترکیه بیشترین تأثیر را از خودگردانی شمال عراق پذیرفته‌است. در ایران با توسعه‌ی اقتصادی مناطق کردنشین به علت تجانس بالای کردها با فرهنگ و تمدن ایرانی؛ تأثیرات خودگردانی شمال عراق بر مناطق کردنشین قابل مدیریت است.

۹- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند که از تمام شخصیت‌های حقیقی و حقوقی از جمله آقای ابراهیم یونسی، دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، مسئولان کتابخانه دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی و موسسه انتشاراتی- تحقیقاتی موکریانی^۱ اربیل کردستان عراق که در انجام این پژوهش به‌نحوی از همکاری و مشاوره آنها بهره‌برده‌اند تشکر و قدردانی نمایند.

منابع

۱. احمدی، کوروش (۱۳۸۴)؛ ضعف انسجام اجتماعی - سیاسی و مشکلات ژئوپلیتیک در عراق، مقاله چاپ شده در کتاب عراق پس از سقوط بغداد، وزارت امور خارجه. تهران.
۲. اسدی، علی اکبر (۱۳۸۵)؛ تشکیل دولت عراق، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۳۵. تهران.
۳. اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷)؛ منابع قومی ناسیونالیسم، واحد ترجمه فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران، پیش شماره ۱.
۴. اطلس جامع گیتاشناسی سال ۸۷-۸۶، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهیه و تدوین: واحد پژوهش و تألیف گیتاشناسی زیر نظر سعید بختیاری.
۵. الویشس هینبوس، ریموند (۱۳۸۲)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه: علی گل محمدی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۶. الیس، هادی (۱۳۸۶)؛ خواسته کردها برای تشکیل دولت و آینده عراق، ترجمه: امیر محمد حاجی یوسفی و معصومه انتظام، چاپ شده در مجموعه مقالات: سامان سیاسی در عراق جدید، تألیف: امیرمحمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی، وزارت امورخارجه. تهران.
۷. انتصار، نادر (۱۳۸۱)، قومیت گرایی کرد، ترجمه: عبدالله عبدالله زاده. ناشر: مترجم، تهران.
۸. افتخاری عبدالرضا و دیگران (۱۳۸۷)؛ ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی در بازتابهای توسعه مناطق مرزی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم شماره ۲، تابستان ۸۷.
۹. آیتی، علیرضا (۱۳۸۵)؛ ژئوپلیتیک شمال عراق و طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا؛ اولین دومینو. همشهری دیپلماتیک شماره یک.
۱۰. حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۸۵)؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، مشهد.
۱۱. حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۸۵)؛ تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳ مشهد.
۱۲. حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۷۹)؛ وضعیت ژئوپلیتیک پنجاب در پاکستان، انتشارات الهدی، تهران.
۱۳. حق پناه، جعفر (۱۳۸۶)؛ بومی گرایی در مدیریت‌های استانی و الزامات آن، گزارش پژوهشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ تهران.
۱۴. حق پناه، جعفر (۱۳۸۶)؛ تأثیرپذیری اقوام ایرانی از حضور آمریکا در منطقه، گزارش پژوهشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران.
۱۵. حق پناه، جعفر. (۱۳۷۸)؛ پیامدهای امنیتی بازداشت رهبر کردهای ترکیه در مناطق کردنشین ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶ و ۵، تهران.
۱۶. رندل، جانانان (۱۳۷۹)؛ با این رسوایی چه بخشایش. تحلیل مسائل سیاسی کردستان، ترجمه: ابراهیم یونسی پانید، تهران.

۱۷. رئوف، عادل (۱۳۷۷)؛ سیاست ترکیه در قبال شمال عراق پس از جنگ دوم خلیج فارس، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک.
۱۸. سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۵)؛ نقش کردها در پاسداری از فرهنگ و تمدن ایرانی، وزارت امور خارجه، تهران.
۱۹. شیخ‌عطار، علیرضا (۱۳۸۲)؛ کردها و قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مجتمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران.
۲۰. عه بدوللا، خه بات (۲۰۰۵)؛ بنه ما تیوریه کانی جوگرافیای عه سکه ری کوردستانی باشور، چاپی دووه م وه زاره تی روشنبیری حکومه تی هه ریمی کوردستان، سلیمانیه.
۲۱. غه فو، عه بدولله (۲۰۰۵)، "جوگرافیای کوردستان، وزاره ت روشه نبیری هه ریمی کوردستان، هه ولیر (اربیل).
۲۲. فیله، هنری (۱۳۴۴)؛ مردم شناسی ایران، ترجمه: عبدالله فریار، ابن سینا، تهران.
۲۳. قالیباف محمدباقر و دیگران (۱۳۸۷) ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی در بازتابهای توسعه مناطق مرزی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم شماره ۲، تابستان ۸۷.
۲۴. قاسملو، عبدالرحمان (۱۹۷۳)؛ کوردستان و کورد لیکولینه وه یه کی سیاسی و ثابوری، وه رگیر، عبدالله حسن‌زاده، بی‌نا، بی‌جا.
۲۵. قاسمی، علی (۱۳۸۶)؛ مدیریت بحران قومی در ترکیه با تأکید بر مورد پ.کا.کا، گزارش پژوهشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۲۶. قزاز، رمزی (۱۳۸۱)؛ تحلیلی تاریخی و جامعه‌شناختی بر جنبش‌های سیاسی و فرهنگی کرد (از اواخر سده ۱۹ تا میانه سده ۲۰)، ترجمه: مسعود ایزدی، آزاداندیشان تهران.
۲۷. نصیری‌مشکینی، قدیر (۱۳۷۸)؛ جمعیت و امنیت، امکانات و موانع پیدایش دولت کردی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶۵، پائیز و زمستان ۷۸.
۲۸. کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۷)؛ تحلیل ژئوپلیتیک تحولات کردستان عراق، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۰، تهران.
۲۹. کرمی، جهانگیر (۱۳۷۸)؛ سیاست ایران در قبال کردستان عراق، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۲۶-۲۷، تهران.
۳۰. کرمی، جهانگیر (۱۳۷۶)؛ گزارشی از تحولات شمال عراق در دهه ۱۹۹۰، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۲۰-۲۱، تهران.
۳۱. کمپ، جفری و هارکوی، رابرت (۱۳۸۳)؛ جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه: سیدمهدی حسینی‌متین پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۳۲. کندال و دیگران (۱۳۷۹)؛ کردها، ترجمه: ابراهیم یونسی، روزبهان، تهران.
۳۳. کوچرا، کریس (۱۳۷۷)؛ جنبش ملی کرد، ابراهیم یونسی، نگاه، تهران.
۳۴. کوچرا، کریس (۲۰۰۳)؛ جنبش ملت کرد و خواست استقلال، عزیز ماملی، بی‌جا، بی‌نا.
۳۵. گالبرایت، پیتر (۱۳۸۲)؛ کردها و عراق پس از صدام، راهبرد، شماره ۲۷، بهار ۸۲.
۳۶. گانتر، میکائل (۱۳۷۶)؛ عامل کردی در سیاست خاورمیانه، علی کرمی، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران.
۳۷. گول، مارف (۱۳۸۲)؛ ژینوساید ملت کرد، بهزاد خوشحالی، بی‌نا، سنندج.
۳۸. لازریف، م.سی (۱۳۸۱)؛ کردستان و کرد و علل ایجاد بحران، بهزاد خوشحالی، میدیا، سنندج.
۳۹. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، سمت، تهران.

۴۰. محمدی، حمیدرضا و دیگران (۱۳۸۷): ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی در بازتابهای توسعه مناطق مرزی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم شماره ۲، تابستان ۸۷.
۴۱. محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۶): فصلنامه تخصصی علوم انسانی، سازمان بسیج اساتید. پیش شماره ۱، زمستان ۸۶.
۴۲. محمدی، حمیدرضا (۱۳۷۷): نقش نواحی بحرانی در جهت‌گیری استراتژی ملی - پژوهش موردی کردستان، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۴۳. محمدی، حمیدرضا (۱۳۷۶): نقش افراد در جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه، مجله رشد آموزش جغرافیا. شماره ۴۸-۴۹ و ۵۱-۵۰.
۴۴. محمدی، حمیدرضا (۱۳۷۳): تحلیل ژئوپلیتیکی ناحیه بحرانی کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۴۵. مک داول، دیوید (۱۳۸۰): تاریخ معاصر کرد، ترجمه: ابراهیم یونسی، پانیزد، تهران.
۴۶. ملا عمر عیسی (۱۳۸۰): بحران آفرینی ابرقدرت‌ها در کردستان عراق، توکلی، تهران.
۴۷. مومنی، میرقاسم (۱۳۸۴): مردم‌شناسی کردهای ترکیه، چاپ شده در کتاب: آسیا (۴)، ویژه مسائل ترکیه، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، تهران.
۴۸. مهری‌پور، ذبیح‌الله (۱۳۷۹): تحولات شمال عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۴۹. وان بروین سن، مارتین (۱۳۷۹): جامعه‌شناسی مردم کرد، (آغا، شیخ و دولت) ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان، ترجمه: ابراهیم یونسی، پانیزد، تهران.
۵۰. یلدیز، کریم (۱۳۸۷): تاریخ سوریه: ۲۰۰۵-۱۹۱۸، ترجمه: جمال رحمتی پور. فصلنامه روژه ف، شماره ۱۰-۹-۸، مجله دانشجویان کرد دانشگاه تهران.
۵۱. هفته‌نامه سیروان شماره ۳۶.
۵۲. روزنامه اطلاعات ۱۳۸۱/۱/۱۸.
۵۳. ماهنامه مه‌آباد شماره ۳۹ خرداد ۱۳۸۳ صفحه ۶۳ اخبار.
۵۴. ماهنامه مه‌آباد شماره ۱۳ فروردین ۱۳۸۱ صفحه ۶۳ اخبار.
۵۵. روزنامه hawlati ۲۷ جولای ۲۰۰۹، نهمه‌نامه کانی‌هه لب‌زاردن یک‌یکه تی و پارتی نیگه ران کردوه.
۵۶. روزنامه hawlati ۲۹ جولای ۲۰۰۹ فرید نه سه سه زد: یک‌یکه تی له پارتی نیگه رانتره.
57. Batman.G (2007); The Incyclopedia of World Geography," Graybooks. London.
58. Dahlman, Carl (2002); The Political Geography of Kurdistan," Eurasian Geography and Economics. Vol:43.No.4.
59. Entessar, Nader (1989); The Kurdish Mosaic of Discord." Third World Quarterly Vol. 11. No.4.
60. McDowall, David (2000); A modern history of the Kurds. London: I.B. Tauris. 2nd rev. and updated ed. ISBN: 1860645356.
61. GUNTER .M. MICHAEL (1993); "A De facto Kurdish State in Northern Iraq, Third World Quarterly. Vol 14. No2.
62. <http://www.kurdistantv.com> 2008/2/3.
63. <http://www.KRG.org> 1387/21/29.

64. <http://www.irna.ir> 1388/4/28.
65. <http://www.irna.ir> ۱۳۸۸/۴/۲۸ انتخابات کردستان عراق
66. <http://www.mkiryani.com> ۱۳۸۸/۵/۳۰ پروژهای ده ستوری پارلمانی کردستان عیراق
67. <http://www.mkiryani.com> ۱۳۸۸/۵/۳۰ ده ستوری کوماری فیدرالی عیراق
68. <http://www.rojtv.com> ۱۳۸۷/۱/۳.
69. <http://www.sbeiy.com> ۸۸/۵/۲۸ هه لېژاردنه کانی کوردستان و لیستی گوران
70. <http://www.bbc.co.uk> 2008/5/7
71. <http://www.sbeiy.com> ۱۳۸۸/۵/۲۵ هه لېژاردنی سه روکی کوردستان
72. <http://www.Theotheriraq.com> . ۲۰۰۸ ژانویه
73. <http://www.KNNtv.com>.
74. <http://www.Institutkurde.org> .